

من کردند و هر جا که هستند سالم و سرزنده باشند.

در بحث آراستگی مجری وجود کاریز ما آیا ژنتیکی و ذاتی است و یا ممارست به دست می آید؟

بخشی از این کاریزماتیک بودن در فطرت و ذات مجری است. سوال خوبی مطرح کردید و شما باید از درون امکانات یک مجری جذاب و استاندارد را داشته باشید. اما اگر بخواهید می توانید به آن دست پیدا کنید. خیلی ها خیلی حرف ها را مطرح می کنند و چندان به دل مخاطب نمی شنید. برخی حتی یک جمله ساده و معمولی را می گویند و مخاطب با آن همراه می شود. خداوند باید حلاوتی به هنرمندی که وارد بازی، اجرا و سایر اشکال هنری می شود اعطا کند که بتواند در کارش موفق باشد. البته با دیدن، دقت کردن، گوش کردن تجربیات سایرین می شود تا حدی به این موقعیت نزدیک شد.

هوش مسئله مهمی در تمام عرصه ها است. در فوتبال فوتبالیست بزرگی مثل زیدان قبل از اینکه پاس را دریافت کند هدف گذاری برای ارسال پاسش دارد و به همین دلیل است که پاس هایش درست و تاثیر گذارند و شاید در یک میلیون فوتبالیست یک نفر چنین هوشی داشته باشد. آیا داشتن هوش و نبوغ می تواند به مجری در ارائه کار بهتر به خصوص در برنامه هایی که با مهمانان سرشناسی مواجه می شود کمک کند؟

معتقدم یک مجری خوب اقیانوسی است به عمق ده سانت و باید همه چیز را بداند. در طول دوران کاری مجری در برنامه های اش با انواع و اقسام آدم ها اعم از هنرمند، پزشک، جراح، صنعتگر، مهندس و... مواجه می شود. باید تا حد نیاز به تمام زوایای شغلی و خصلت های فردی این آدم ها شناخت داشته باشد. من تا حد زیادی در تمام عرصه ها به جز سیاست شناخت داشتم. چون آدم سیاسی نبودم زیاد سرراغش نمی رفتم اما در جایی احساس کردم باید در این زمینه هم اطلاعاتی داشته باشم و رفتم سمتش تا بتوانم در مقابل مهمان برنامه قدرت اظهار نظر و تجزیه و تحلیل داشته باشم و مجری باید هوشمندی داشته باشد.

این هوشمندی با قدرت مدیریت تفاوت دارد؟

هوشمندی که اشاره می کنم لطفی است که خدا باید عنایت کند و باید مجری به مهمان برنامه اش فکر کند که این آدم چه پیشینه و تفکری دارد و چه چیزی را می خواهد بیان کند و از چه راهی وارد بحث با او شود و برنامه را درست هدایت کند. مهمانان موقعی که جلوی دوربین قرار می گیرند تحت تاثیر نور پرژکتورها، شلوغی پشت صحنه و جو استودیو قرار می گیرد و دگرگون می شوند. برای ایجاد حس راحتی مهمان برنامه مجری باید با او رفیق بشود و ارتباط برقرار کند و حس آرامش درونش به وجود بیاورد. خیلی از مهمانان ها دانش بالایی دارند اما سرسوزنی از آن را نمی توانند در برنامه موثر بیان کنند و این ها هنر مجری است که این توانایی های مهمان را بالفعل کند. با هوشمندی و فراستی که گفتم آرامشی برای مهمان فراهم می شود.

استفاده از بداهه در یک اجرای زنده چقدر می تواند کار مجری را جذاب تر کند؟

خیلی موثر است و بداهه ارتباط مستقیمی با سطح سواد و دانش مجری دارد. دانشی که با سرعت عمل و تبحر در لزوم استفاده از بداهه آن را به عنوان یک راهبرد موثر مورد استفاده قرار می دهد. موقعی که مهمان موضوعی را مطرح می کند مجری باید بتواند با استفاده از بداهه چند دقیقه ای درباره اش صحبت کند. درواقع صحبتی که جذابیت داشته باشد و به دل مخاطب بنشیند را استفاده کند.

موضوعی که شاید در چار چوب های از قبل تعیین شده در کنداکتور برنامه وجود نداشته باشد. این مسائل به جز مطالعه مستمر و دائمی مجری به دست نمی آید. خوشبختانه به واسطه مجله «خانواده سبز» که صاحب امتیازش بودم مجبور بودم که بخوانم و مطالعه زیادی داشته باشم و این کار خیلی روی افزایش معلوماتم کمک کرد و به شدت به کسانی که می خواهند در کار اجرا موفق باشند توصیه می کنم حداقل روزی دو سه ساعت مطالعه کنند. حتی اگر چیزی هم از مضمون کتاب متوجه نشوند اشکالی ندارد. الان کتابی می خوانم که متوجهش نمی شوم و چند باری دوباره مطالعه اش کردم تا مفهومش را بفهمم.

به لباس مناسب داشتن مجری تاکید داشتید. آیا این امر دلالت بر این دارد که مجری باید لباس های زیادی

داشته باشد؟

شیک پوش بودن به خرید زیاد و بدون قاعده لباس و پول زیاد دادن ربطی ندارد. هیچ وقت هم چنین کاری انجام ندادم. مجری باید برای لباس اش احترام قائل باشد. لباسی که مجری می پوشد و می رود جلوی مخاطب که اغلب خانواده هستند، باید تمیز، شیک، به روز و آراسته باشد. لباس مجری باید به تنش برازنده و چشم نواز باشد. نوع آرایش و مو و ریش و سیل نیز باید تابع همین برازندگی و مناسب بودن باشد.

یک سری مجریان جوان در سالهای اخیر فعالیت می کنند که لباس های نامتعارفی بر تن می کنند. آیا این نوع پوشش تاثیری در بیشتر دیده شدنشان دارد؟

احتمالا همین گونه است و باین نیت این نوع لباس ها را انتخاب می کنند و می پوشند. به نظر من باید عرف جامعه رعایت بشود و آن چیزی که مردم می پسندند باید مورد رویکرد مجری در بحث لباس پوشیدنش لحاظ شود.

برخی از مجریان جوان اذعان دارند که مجریان خارجی آزادی عمل زیادی در کارشان و پرداختن به خط قرمزها دارند و آنها این مسئله را ندارند و این بر کیفیت کارشان تاثیر گذار است. چقدر به این مسئله اعتقاد دارید؟

اگر دست مجری برای کارش باز شد تا به راحتی بتواند حرفش را بزند و انتقاد کند و مسئله ای را به چالش و نقد بکشانند بهتر می تواند توانایی هایش را بروز بدهد.

آیا تا به حال پیش آمده برایتان در حین اجرا با مهمانی دچار چالش بشوید و اگر اتفاق افتاده اوضاع را چگونه مدیریت کرده اید؟

اغلب مهمانان برنامه های من در برنامه سیمای خانواده دکتر، معلم و غیره بودند. دکترهایی که بحثشان درباره بیماری ها و راه های درمان بود و خیلی این نوع مهمان ها وارد چالش نمی شوند. **آیا علاقه داشتید سلبریتی های هنری مهمان برنامه تان می بودند؟**

وقت هایی به خصوص در اعیاد مهم از خوانندگان، بازیگران و سلبریتی ها برای حضور در برنامه دعوت می کردیم. تلاش می کردم برنامه جو صمیمانه و دوستانه ای داشته باشد.

اولین باری که اجرای زنده داشتید چه حس و حالی در شما وجود داشت؟

اضطراب زیادی داشتم و با استاد توفیقی در اوایل دهه شصت اولین برنامه زنده ام را تجربه کردم. ابتدا قرار بود من در کنار استاد توفیقی دستیارشان باشم و در کنارش مجری بخش مسابقه برنامه باشم. استاد توفیقی روز پنجم نیامد سر برنامه و تهیه کننده از من درخواست کرد که بروم برنامه را اجرا کنم. حالا که نزدیک به چهل سال از آن زمان گذشته من نفهمیدم چطور برنامه را اجرا کردم. در آسمان بودم و پرواز می کردم. ابتدایش شعری از فریدون مشیری خواندم و بعد سلام و علیک کردم و روال کار دستم آمد. درست است که با تشویش همراه بود اما حس خوبی را تجربه کردم و اعتماد به نفسم زیاد شد.

به شعر خوانی تان اشاره کردید. برخی از مجریان در خلال اجرای شان به ذکر جملات از نویسندگان و فلاسفه و بزرگان می پردازند. به نظر شما این کارها چه ویژگی هایی را به کار مجری الصاق می کند؟

اگر درست و به جا استفاده شود به نفع کیفیت کار مجری است و به شان و شخصیت مجری اضافه می کند. اما اگر درست از کار در نیاید باعث می شود مخاطب مجری را پس بزند و مردم به خوبی متوجه تصنعی بودن آن اجرا می شوند.

با کدامیک از پارتنر هایی که برنامه داشتید راحت تر بودید؟

سر کار خانم بیدمشکی مجری توانمندی بود و ۲۰ سال با ایشان همکاری می کردم و بسیار در کارشان مسلط و پارتنر خوبی بودند و خاطرات خوبی از اجرای مشترک با ایشان در برنامه خانواده دارم. خانم امیرشاهی هم در کارشان بسیار توانا و درجه یک هستند و با ایشان هم خاطرات خوبی دارم و اجرهای مان بسیار موفق و مورد قبول مردم بود.

از میان جوانها کدام مجری برایتان پارتنر خوبی است؟

از میان مجریان جوان خانم سلیمانی بسیار توانمند هستند و

علی رغم جوانی اجراهای پخته و کاملی دارند.

آیا در اجرای برنامه های زنده قبل از شروع تمرین و یا

مروری با کارگردان دارید؟

تمرینی در کار نیست. اجرای برنامه های روزانه یک کار روتین است که روال کار با چند روز دست مجری می آید و کارش را انجام می دهد. البته در مواقعی خاص مشورت و چکشی با کارگردان انجام می شود.

چند تایی از مجریان تلویزیونی مثل حسینی بای به بازیگری روی آورده اند. آیا شما هم علاقه ای به بازیگری دارید؟

علاقه ای نداشتم و چند سال قبل چند تا پیشنهاد بازی در فیلم و سریال داشتم. اما هیچ وقت این نوع پیشنهادات را جدی نگرفتم.

به چه دلیل پیشنهادات بازیگری را جدی نگرفتید؟

اگر مجری بازیگر شود باور مردم نسبت به مجری از بین می رود.

یعنی اعتقاد دارید بهتر است در یک کاری که تخصص دارید حضور داشته باشید؟

همینطور است. یادم می آید بیست سال آقای محمود قراملکی آهنگساز مشهور که برای هایده و مهستی آهنگسازی کرده بود به من گفت باس صدایت خوب است و اگر بروی سمت خوانندگی موفق می شوی و می توانی محبوبیت زیادی پیدا کنی و پیشنهاد ساخت دو آهنگ را به من داد که ان ها را بخوانم. به شدت با این کار مخالفت کردم. البته تستی هم در استودیو زدم.

پاپ خواندید؟

بله، پاپ خواندم و به کار ادامه ندادم زیرا تصور کردم شانیتام با خوانندگی زیر سوال می رود.

البته امکان داشت با توجه به ادعای آقای قراملکی در موسیقی و خوانندگی هم باندازه اجرا موفق و تبدیل به هنرمند چند منظوره ای می شدید؟

ممکن بود چنین اتفاقی رخ دهد. اما من همین جایگاه فعلی ام را دوست دارم.

به نظر می رسد چندان میانه خوشی با چهره و سلبریتی شدن ندارید؟

همه دوست دارند در کارشان سرآمد و سلامت باشند. من علاقه ای به سلبریتی شدن ندارم و در کش هم نمی کنم. من دوست دارم در کار خودم اوستا باشم و درست با مخاطب ارتباط برقرار کنم. اهل ادا و اطوارهای فضای مجازی نیستم و صفحه ای هم در فضای مجازی ندارم تا مخاطب جلب کنم.

شما اولین مجری ای بودید که به سمت مجله داری و انتشار موفق مجله خانواده سبز رفتید، راهی که بعد از شما مجریانی مثل حسینی هم به سمتش رفتند. این کار برایتان چه ویژگی هایی داشت؟

در طول حضورم در رادیو با اساتید خانوادگی و اجتماعی آشنا شدم و مناسب دیدم با نشر مجله ای این نظرات مکتوب به مخاطب عرصه بشود. برنامه در رادیو پخش می شد و از یاد می رفت. اما مجله باقی می ماند و مانا تر و مثل یک مرجع بود. با سیاست گذاری هایی که در نشر خانواده سبز انجام دادم بسیار مورد توجه مردم قرار گرفت و مجله ای برای تمام افراد یک خانواده بود. البته آلان دوره مجله در آوردن به سر آمده است.

چقدر وجه در آمد اقتصادی در آوردن مجله برایتان اهمیت داشت؟

اولویتی برایم نداشت. اما چون مجله بسیار موفق بود خیلی از صاحبان کارخانه ها و صنایع آگهی می دادند و وضع مالی مجله خوب بود.

یکی از امتیازات نشریاتی که مدیر معروف و محبوب از قبیل شما، علی معلم و... دارند این است که این مدیران با استفاده از نام و تاثیر گذاری شان می توانند خیلی از بازیگرانی که اهل مصاحبه نیستند را پای میز مصاحبه بکشانند. شما چقدر از این ظرفیت استفاده کردید؟

حضور من به عنوان مدیر خانواده سبز در جهت حضور نام های بزرگ و محبوب بازیگری در مجله بی تاثیر نبود. البته از این وضعیت سو استفاده نکردم. من اغلب خودم با بازیگران برای انجام مصاحبه تماس می گرفتم و دوستان هم لطف داشتند مصاحبه را قبول می کردند. هنرمندانی مثل مهران مدیری و یا شهاب حسینی که کمتر اهل مصاحبه هستند چند باری با خانواده سبز مصاحبه کردند.